

وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُفْسِدُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكُمْ أَذْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا ۗ وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَهُ فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا (۳)

ارتباط بحث تعدد زوجات در این متن با ایتم را متوجه شدیم و از روح حاکم بر قرآن دانستیم که آن چه موجب **هدایت** است **قرآن** است نه **رساله توضیح المسائل**، رساله خوب است و لازم است و اصلاً باید آدم بر همین ظواهر شریعت حرکت کند، اما آن چه باعث نجات است، خود قرآن است؛ چون وقتی احکام از فضای لازم خودش خالی می‌شود، تولید بسیاری از اشکالات می‌کند. در آیات باید فضای قرآن را پیدا کنید! این فضاشناسی آیات که ما برآینم خیلی مهم است و روح حاکم بر قرآن از این میانه استخراج می‌شود. دیدیم که قرآن و روایات هماهنگ با قرآن، یک لسان تضییق و محدودیت را دارد ایجاد می‌کند. در این باب قرآن زبان توسعه‌آمیز ندارد.

### ضرورت توجه به شئونات در انتخاب همسر

دو نکته دیگر در این آیه مانده که از لابلای سؤالات و اشکالات در آمده و همین‌ها به غنای بحث می‌افزاید، لازم است بیان شود تا فضایی را در آیات شناسایی کنیم:

وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً؛ اگر نگران عدل بودید و حتی نسبت به یک نفر داشتید ظلم می‌کردید، به یک نفر اکتفا کنید و اگر در مورد یک نفر هم نتوانید **أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ**؛ بروید سراغ کنیزکان که حقوق و توقعات کمتری دارند! این بحث در مورد ازدواج‌های کنونی هم صادق است. اگر کسی سراغ خانواده‌ای برود که **توقعات** خاصی دارند، نه تنها توقعات خاص که **شئونات** خاصی هم دارند، اگر کسی واقعاً از پس چنین خانواده‌ای بر نمی‌آید خب نرود! برود از یک خانواده پایین‌تر، با زنی ازدواج کند که خرجش را بتواند بدهد، هزینه‌هایش را بتواند تأمین کند. الان ما ده سال است در دانشگاه به عنوان مشاور در خدمت دوستان هستیم، می‌بینیم از روی هوس می‌رود از خانواده‌ای دختری را می‌گیرد که مثلاً پرتقال کوچک‌تر از این‌قدر نخورده! این دختر تقصیری ندارد و اگر کمتر از شئوناتش برایش فراهم شود دارد به آن خانم ظلم می‌شود و نه تنها ظلم می‌شود بلکه اصلاً خودشان هم نمی‌توانند تحمل کنند و این عدم تحمل به انحاء مختلف آثار سوئش را در زندگی نشان می‌دهد، اما اگر دختر از طبقه‌ای باشد که این مشکلات در آن خانواده نیست که بحثی نیست! الان یکی از مشکلات ما ازدواج دختران طبقه مرفه است. دختر خوبی هم هست ولی وقتی ازدواج می‌کنند یک مشکلی هست و ازدواج هم نمی‌کنند یک

مشکل دیگری است. ازدواج با طبقات بالا و مرفه مشکلات خاص خودش را دارد و چاره‌ای هم نیست. اگر خیلی خرپول هستید به گرفتن چنین دخترهایی اقدام نکنید و الا فلا! شما که نباید کل مشکلات دنیای اسلام را حل کنید! شما نگران آن‌ها نباشید! اگر طرف بخواهد خیلی از سطحش پایین بیاید نمی‌تواند! شما هم بخواهید خودتان را به آن برسانید نمی‌توانید و کنتاکت به وجود می‌آید.

پول دار شدن مساوی با مرفه شدن نیست! و این اشتباهی است که الان باب شده؛ یعنی هرچه قدر پول دار می‌شوی مرفه هم می‌شوی، ولی در قدیم در همین بازاری‌های قدیم این طور بوده که پولدارها خیلی مرفه نبودند و نوع زندگیشان و تفریحاتشان خیلی با بقیه فرق نداشته ولی امروزه نوع زندگی‌ها فرق کرده و پولدار شدن مساوی شده با مرفه شدن! اگر قبلاً قم و جمکران می‌رفته، حالا که پولدار شده باید مکه و سوریه برود! اگر دختری برای تفریحاتش فرانسه و انگلیس می‌رود، این دختر را اصلاً شما نگیرید! به شما ارتباطی ندارد، بگذارید هر که بلد است او را به فرانسه و انگلیس ببرد، او را بگیرد. این‌ها طرح قرآن است که شما اگر شما نمی‌توانید دختران این طبقه بالا را تأمین کنید، بیاید یک طبقه پایین‌تر **أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ**؛ بروید سراغ کنیزکان؛ این پیامی است که در محتوای این آیات وجود دارد. زندگی خود را خراب نکنیم؛ خیلی‌ها به طمع پول پدر خانم به سراغ چنین دخترهایی می‌روند و هزار جای دیگر گیر می‌کنند! نمی‌تواند از پس آن خانواده برآید، مجبور می‌شوند کمک‌هایی را از جانب پدرخانم دریافت کنند و این دریافت کمک او را زیر بلیط پدر خانم می‌برد و این زیر بلیط رفتن ایجاد مشکلات خانوادگی می‌کند. پس از اول دندان لق را می‌کشیدی! توقعت را پایین بیاور و یک دختری بگیر با توقع پایین‌تر. به خدا با او بهتر هم می‌شود زندگی کرد و هیچ مشکلی هم نیست! خانواده دخترها هم حواسشان جمع باشد توقعات را پایین‌تر بیاورند و فتیله را کمی پایین بکشند!

### ازدواج مناسب برای فقیر نشدن، یا برای ظلم نکردن؟

نکته بعد: **ذَلِكَ أَذْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا** یعنی این جوری که شما می‌کنید (با همین فضای تزییقی که دارد پیش می‌رود) نزدیک‌تر است به **أَلَّا تَعُولُوا**. **أَلَّا تَعُولُوا** اگر ریشه‌اش از «عَ يَ لَ» باشد یک معنی می‌دهد و اگر از «عَ وَ لَ» باشد یک معنی دیگر می‌دهد. اگر ریشه آن اجوف یایی باشد کما این که در سوره مبارکه توبه آیه ۲۸، ص ۱۹۱ داریم: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ**؛ مشرکین پلیدند **فَلَا يَفْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ غَايِهِمْ هَذَا**؛ بعد از این سال که سال فتح است، مشرکین را به مسجد الحرام راه ندهید؛ حالا ترس در دل مسلمانان افتاد که مشرکین را راه ندهیم، چه کسی پول خرج کند؟ چه کسی باید اقتصاد مملکت را درست کند؟ اگر این‌ها نیابند گردشگری‌مان چه می‌شود؟ دلار به مملکت نیاید چه می‌شود؟ **وَإِنْ خِفْتُمْ**

عَيْلَةً؛ اگر از فقر ترسیدید فَسَوْفَ يَغْنِيكُمْ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ؛ خدا از فضلش شما را بی نیاز می کند. شما روی ملاک‌هایتان حرکت کنید! نترسید از این که فقیر شوید فَسَوْفَ يَغْنِيكُمْ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ؛ اگر خدا بخواهد این کار را می کند و شما را بی نیاز می کند! إِنْ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ.

حالا کاری به پیام آیه نداریم که این آیه پیام دارد. این جا «عیله» از ریشه «ع ی ل» به معنای فقر است، یا در سوره ضحی داریم فَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأُعْنِي این جا باز «عائل» می تواند هم از ریشه «ع ی ل» باشد و هم «ع و ل» که به قرینه فاعنی از «ع ی ل» به معنی فقیر است.

اما این تعولوا در سوره نساء از ریشه «ع ی ل» نیست بلکه از ریشه «ع و ل» است؛ یعنی اجوف واوی است. یکی به خاطر دستور زبان عربی است؛ یعنی اگر «ع ی ل» باشد تعیل می شود نه تعول؛ این را برای این مطرح کردیم که این توهم ایجاد نشود که خداوند فرموده این بهتر است برای این که فقیر نشوید! وقتی این را این جور معنی کردند، قرینه گرفتند برای صدر آیه که بگویند این عدالتی که در صدر آیه مطرح شده است، عدالت مالی است - فقط - ولی با توجه به این که این تعولوا است پس ریشه اش ع و ل است و عال؛ یعنی ظلم و جار؛ یعنی ظلم و جور کرد، منحرف شد. این به این معناست که هم با دستور زبان عربی سازگار است و هم این معنا با صدر آیه سازگارتر است؛ چراکه بحث در صدر آیه فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا، بحث قسط و عدل است. این جا که می گوید ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا؛ عیال‌هایتان را کم کنید نه به خاطر این که فقیر نشوید بلکه این جوری نزدیک می شوید به این که ظلم و جور انجام ندهید و آن موقع این جوری که معنا کنیم این یعنی عدالت کلی به صورتی که هر چه در افعال جوارحی بتواند ظهور کند. هر چقدر که مکلف به تکلیف باشد؛ یعنی خوردنش، خوابیدنش، در خانه‌های مختلف به لحاظ چندهمسری که هست و تقسیم کردن خودش، هم مسائل مالی و رسیدگی به فرزندان و... پس ببینید که این زبان چگونه تزییق می کند.

روایت هم همین را می گوید. در وسائل الشیعه، جلد ۲۱، ص ۳۴۲: رسول الله می فرمایند: مَنْ كَانَتْ لَهُ امْرَأَتَانِ؛ کسی که دو زن دارد وَ لَمْ يَعْدِلْ بَيْنَهُمَا فِي الْقَسْمِ مِنْ نَفْسِهِ وَ مَالِهِ؛ و عدالت را بینشان در تقسیم خودش و مالش، این را درست تقسیم نمی کند بین دو همسرش جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَغْلُوبًا مَائِلًا شِقَّةً حَتَّىٰ يَدْخُلَ النَّارَ؛ این روز قیامت به غل و زنجیر کشیده شده و یک نیم تنه اش یک طرف افتاده، می کشندش و می برندش جهنم. این زبان روایات ماست و آن زبان آیات ماست و این فضایی است که آیه در تزییق تولید می کند.

یک آیه در تکمیل این آیه، سوره مبارکه نساء آیه ۱۲۹، ص ۹۹ است: این آیه به نظر می رسد و به نظر اصحاب ائمه هم می رسیده که این آیه با آیه سه منافات دارد و آن این که در این آیه گفته می شود: وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ

**حَرَصْتُمْ؛** شما اصلاً نمی‌توانید عدالت را بین زنان برقرار کنید هرچه قدر هم که حرص بزنید و مشتاق باشید، نمی‌توانید عدالت را برقرار کنید. می‌گویند این آیه با آن آیه منافات دارد. برخی بدون در نظر گرفتن لوازم حرفشان می‌گویند آن آیه گفته اگر این آیه هم می‌گوید نمی‌توانید پس جمعش این می‌شود که **مطلقاً نکنید!** پس اگر این طوری باشد که پیغمبر و ائمه این کار را کرده‌اند، آن وقت تکلیف چیست؟ زیرسبیلی رد کنیم و بگوییم این‌ها استثنائات است و شما کاری به این کارها کار نداشته باشید!

حال اگر فضای آیات مشخص شود، معلوم می‌شود که آن **جا افعال جوارحی** است و این **جا افعال جوانحی و قلبی** است. یعنی بالاخره یک نفر دو تا زنش را یک جور دوست ندارد کما این که یک نفر دو تا بچه‌اش را یک جور دوست ندارد؛ بعضی بچه‌ها یک ویژگی‌هایی دارند که خود پدر و مادرها می‌دانند و آن ویژگی باعث دوست داشتن بیشتر می‌شود، ولی رعایت عدالت را باید بین بچه‌ها بکنند. هرگونه امکانی برای یکی به لحاظ تحصیلی و ازدواج فراهم کردند، برای آن یکی هم باید فراهم کنند. این کاری است که والدین باید بکنند، ولی این به معنای آن نیست که من باید هر دو را یک جور دوست داشته باشم. این جاست که کسی می‌تواند بگوید حق ندارید دو تا بچه داشته باشید؟ خود امام راجع به حاج‌آقا مصطفی یک حالت دیگری داشت و می‌گفت: مصطفی امید آینده اسلام بود. می‌گویند وقتی امام حاج‌آقا مصطفی را می‌دید یک بهجتی به او دست می‌داد که نسبت به بچه‌های دیگرشان این جور نبودند! این جور نیست که بشود محبت را هم مساوی تقسیم کرد، **محبت، محل تکلیف نیست چون جزء اعمال قلبی است. محل تکلیف، اعمال جوارحی است نه اعمال جوانحی؛** قلب محل تکلیف نیست. پس این آیه با آن آیه منافاتی ندارد. پرونده این آیه فعلاً بسته!

## مبانی برهانی و وجدانی

عده‌ای در مورد بحث چندمردی سؤال کردند و گفتند ما هنوز توجیه نشدیم در مورد این که چرا چند مردی نه؟ اولاً بعضی چیزهاست که در **علوم اجتماعی** برهان ندارد و این‌ها باید برود در **مبانی** بحث شود. ریاضی و بحث‌های فلسفی این چنین است که با **گزاره‌های ریاضی** و یقین عقلی سر و کار دارد، ولی بحث‌های روان‌شناسی و علوم اجتماعی و کلاً علوم انسانی شما با **برهان** طرف نیستید، با یقین عقلی طرف نیستید، بلکه با اطمینان‌های عقلایی طرف هستید. یک سری چیزها **وجدانیات** است و باید در نظر گرفت. در دانشگاه دانشجویی پیش من آمد و با ده تا معذرت‌خواهی گفت: به نظر من سکس با مادر اشکال ندارد، شما نظرتان چیست؟ گفتم دلیل من همین ده تا معذرت‌خواهی شماست. شما این جا مگر برهان دارید؟ خیلی از این

مطالب، وجدانیات است. این تقاضای چند مردی، مال فتنه آخرالزمان است. گاهی سؤال‌ها را هم خیلی نباید به آن بال و پر داد و جواب داد!

ذوق قرآن هم این است که بعضی جاها می‌زند تو دهن طرف و اصلاً جواب هم نمی‌دهد. سبک قرآن این است که ناگهانی می‌زند طرف را شل و پل می‌کند. نمی‌گوید: عزیزم بیا سر میز مذاکره تا با هم صحبت کنیم! قرآن با سبک‌های مختلف حرکت می‌کند **إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ** این‌ها روش‌های قرآن است. کسی اگر می‌خواهد با ذوق قرآن پیش برود، فکر نکند همیشه باید برهان بیاورد، در ذوق قرآن **برهان** هست، **حکمت** هست، **موعظه** هست، **جدال احسن** هست، پس شما همیشه دنبال برهان نباشید، یک مقداری رجوع به **وجدان** خیلی وقت‌ها تکلیف را مشخص می‌کند. دوم این‌که این بحث را حیوانات دارند، این بحث خانواده حیوانات است نه موارد استثنایی، یا حتی در انسان‌ها هم هست اما نه در قالب خانواده! در قالب بحث خانوادگی قضایا را دنبال کن نه در قالب فحشاء! اصلاً آن‌چه در چندمتری مردان داریم، در مورد زنان نمی‌توان یافت.

### در آموزش نباید حیا مانع باشد

یک بحثی در روایات وجود دارد. این‌که باید حیا را در جاهایی کنار گذاشت! این‌ها واقعاً حیا‌ی حمق است! قشر مذهبی ما آن قدر از خودش حیا‌ی حمق نشان داده که در چیزهایی چشم و گوش بسته شده‌اند. اتفاقاً ما آموزش جنسی در فضای مثبت لازم داریم! من به عنوان مشاور خدمتتان عرض می‌کنم: طرف نشسته هزار تا فیلم دیده اما یک آموزش جنسی درست ندارد. آموزش جنسی غیر از دیدن فیلم خلاف است!

در مستدرک الوسائل جلد ۱۴ ص ۴۲۸ دارد که: ۴۰ تا زن آمدند پیش عمر و گفتند شهوت آدمی چه مدلی است؟ (درست است که عمر گفته اما از قول پیامبر گفته) او هم پاسخ داد: شهوت در مرد یکی است ولی در زن ۹ تا یعنی در زن زیادتر است. در روایات دیگر توضیح داده شده که این‌ها عفتشان هم ۹ برابر است. بعد گفتند: چه جوری است که مرد می‌تواند چند زن بگیرد، ولی زن فقط باید یک همسر داشته باشد؟ عمر ساکت شد و ارجاع داد به امیرالمؤمنین. حضرت به هر کدام فرمودند: هر کسی برود یک ظرف آب بیاورد؛ حالا همه را بریزید در این تشت بزرگ؛ بعد به هر کدام فرمودند آبتان را بردارید! گفتند چه جوری برداریم؟! همه قاطی شده و نمی‌توانیم تشخیص دهیم کدام مال ماست! حضرت فرمودند به خاطر این است که یک نفر پدرش معلوم شود چه کسی است (این یک دلیل) چون در فضای خانواده است بحث میراث و نسب این بچه چه می‌شود؟

## آیا با اتکا به علم می توان قانون گذاری کرد؟

الان می گویند که امروزه با آزمایش ژنتیک می توان تشخیص داد و این چیزها؛ اولاً علم آن قدر **کثیف** است و **علم بدون اخلاق** آن قدر لجن است که اگر شما بروید در آزمایشگاه بستگی دارد طرف چقدر پول بدهد و اگر بخواهد بچه را از سر خودش باز بکند، می تواند! حواسمان باشد ما در روزگاری داریم زندگی می کنیم که هنوز معلوم نیست کره ماه رفتیم یا نه! یعنی هنوز معلوم نیست؛ سؤالاتی از ناسا می کنند که ما بالاخره ماه رفتیم یا نه؟ عکسها چرا این جور است؟ شما که این همه اهل تحقیق هستید، چرا دیگر نرفتید؟ ناسا هم دارد جوابهای پرت و پلا می دهد! که مثلاً مشهد نیست که دائم برویم و بیائیم!

می بینید که فضای علم، فضای پاکی نیست که با یک آزمایش تکلیف میراث و نسب مشخص شود! باید یک حرفی زد که در دنیا جا داشته باشد، نمی شود که کلاً در دنیا از همه آزمایش ژنتیک گرفته شود که کی از کی به دنیا آمده و میراث و نسبش چگونه است! اصلاً نمی شود این کار را کرد. اصلاً نمی شود در دنیا اجرایش کرد. مگر این قالب دنیایی دارد؟ یک حرفی بزنید که به درد دنیا بخورد. این تازه بحث تداخل میاه است که اگر ۴ مرد داشته باشد معلوم شود که پدرش کی هست (این دلیل تام نیست بلکه یکی از حکمت هایش است که امیر المؤمنین این جا می گوید).

## خاستگاه غیرت و حسد

و اما یک نکته ای که هست این که قرآن اساساً بحث زن و مرد را در فضای خانواده می بیند. طرح کلی قرآن این است که: کسی که مدعی بحث این است که یک زن و چند مرد، شما بیاوریدش در قالب خانواده، ببینید قالب خانواده چنین بحثی را قبول می کند؟ با کارکردهایی که برای یک زن برای سکونت، آرامش و ... دارد مشخص می کند. بله در فضای فحشاء بله! یک زن و چند مرد می شود! بحث فلسفی و بحث **تفاوت احساسها** در جلسه قبل مطرح شد؛ بحث غیرت و حسد مطرح شد و روایات هم همین را توضیح می دهد. آقای مطهری هم روی این بحث مانور می دهد که این طور نیست که هر دو غیرت یا هر دو حسد! چراکه احساسهای یکسان در دو طرف ایجاد نمی شود، یک مرد از این که یک مرد دیگر با زن او باشد، احساس غیرت می کند، (به واژه ها دقت کنید! دارم واژه ها را درست استفاده می کنم) این غیرت نه این که محبت اش به زن باعث می شود که اجازه ندهد کس دیگری کنار زنش باشد، بلکه اصلاً نمی تواند یکی دیگر را تحمل کند اصلاً کاری به محبتش به زنش ندارد. اصلاً یک گیری را کنار خودش نمی تواند تحمل کند با زنش، ولی از طرف زن چیزی که گفته اند حسد است و در روایات هم توضیح داده شده و توضیح دادند که برگرفته از حب اش است. این طوری نیست که زن کلاً دوست نداشته باشد با

مردش کس دیگری باشد، بلکه به خاطر **حبّ شدیدی** است که به مردش دارد و دوست دارد توجه مرد فقط به او جلب باشد و دوست دارد توجه مرد را فقط به سمت خودش جلب کند، اما در مرد این حس نیست که چون من تو را دوست دارم، دوست دارم توجه تو فقط به من باشد اصلاً این طور نیست. این حس نیست، **حس غیرت** است؛ یعنی غیر را نمی‌تواند تحمل کند، اما آن طرف (زن) این نیست. یک حسد ناشی از حبّ زیادی است که نسبت به شوهرش دارد و می‌خواهد توجه شوهرش را به خودش متوجه کند، لذا یک حسی نیست که در دو طرف یکسان باشد. آن وقت در روایات هم این حس را توضیح می‌دهد که می‌فرماید: **قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ: الْمَرْأَةُ تَغَارُ عَلَى الرَّجُلِ تَوْذِيهًا؛** زن غیرت می‌کند به مردش و با همین غیرت مرد را اذیت می‌کند حضرت می‌فرمایند: بی‌خود چنین غیرتی می‌کند. **قَالَ ذَلِكَ مِنَ الْحُبِّ** نه! این به خاطر این که خیلی دوستت دارد مواظب این است که تو با زن دیگری نباشی! این حبّ شدیدی که نسبت به مرد دارد در این قالب بروز می‌کند و به خاطر همین است که زن آن قدر مردش را **کنترل** می‌کند. از این کنترل نا امید نشوید؛ چون که دوست دارد چنین پیگیری‌ای می‌کند؛ از آن طرف غیرت است و از این طرف ناشی از محبت است.

شواهد کل تاریخ دارد نشان می‌دهد که چندزنی داریم ولی چندمردی نداریم و اساساً قابل تصور نیست که ما خانواده‌ای با کارکردهای خانواده داشته باشیم در قالب چندمردی! اصلاً قابل تصور نیست که دو تا مرد بیایند در یک خانه! همدیگر را می‌کشند. اگر زن برود در خانه‌های مختلف، این زن چگونه می‌تواند سکونت و آرامش این باشد و چگونه سکونت و آرامش آن یکی باشد؟ - یک شب این هست یک شب نیست - اصلاً در قالب خانواده قابل تصور نیست. اگر قالب خانواده را نگه داریم و نه قالب فحشا، آن موقع حتی این چندزنی قابل توجیه هم هست با زبان تضییق. درست است زبان، زبان تضییق است اما یک نفر روی حسابی دیگر، اگر بستر دینی فراموش شود - ببینم طرح قرآن چی هست؟

### شاخص سنجش روابط عاطفی در خانواده

این بحث را در آیات راحت‌تر می‌شود بحث کرد. ببینید طرح قرآن چیست؟ در سوره مبارکه آل عمران آیه ۱۴ صفحه ۵۱، وقتی که قرآن دارد راجع به شهوات و خواسته‌های دنیوی انسان توضیح می‌دهد، اول می‌گوید: **زَيْنَ لِلنَّاسِ حَبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ؛** که تزئین داده شده برای مردم حبّ شهوات به نساء، بعدش تازه می‌رود سراغ بچه، **وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرَ الْمُقَنْطَرَةَ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ؛** یعنی طلا و همیان پول و دلار و یورو و ... **وَالْخَيْلَ الْمَسْوُومَةَ؛** بعد سراغ اسب **وَالْأَنْعَامَ وَالْحَرْثَ** بعد انعام و در آخر حرث یعنی کشتزارها... و بعد می‌گوید **ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَعِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ.** خود روایات این جا مکث می‌کنند برای

همین نکته که حواست باشد که اولاً قدرت مسائل شهوانی و قدرت این مسئله ارتباط فی ما بین دختر و پسر فوق‌العاده قوی است و قوی‌ترین چیز در عالم است. اولاً به قدرتش خیلی تأکید می‌کند.

یک پرائتر باز کنم! ببینید گاهی اوقات که این را می‌گویی و آدم‌ها تعجب می‌کنند که این آن قدر هم قدرت ندارد! یک شاهدهی بیاورم بر این که چه قدر مسائل زناشویی قدرت دارد: خیلی وقت‌ها اگر در یک زندگی بچه نباشد، زندگی دوام می‌آورد یعنی زندگی را ادامه می‌دهند، ولی اگر در یک زندگی کسی نتواند با همسرش مجامعت کند به سرعت می‌روند طلاق بگیرند؛ یعنی غیر ممکن است که بحث‌های این‌چنینی به طلاق منجر نشود؛ یعنی اگر این بحث از زندگی زناشویی حذف شود، کل زندگی حذف می‌شود. حالا اگر یکی بچه‌دار نشود گاهی اوقات به مشکلات می‌انجامد و گاهی اوقات نمی‌انجامد. گاهی زندگی می‌ماند و گاهی نمی‌ماند، ولی مسئله زناشویی شوخی‌بردار نیست و خیلی قدرت دارد در عالم! اگر الان می‌بینید آن قدر قدرتمند نیست، به خاطر این است که ما در معرض محرکات جنسی خیلی زیاد قرار گرفته‌ایم. جامعه وضعیتش این‌جوری شده! شما خاطرتان نیست اما ما آن موقع که دبیرستان می‌رفتیم که حتی کسانی که بی‌حجاب بودند، نوع حضورشان بیرون از خانه قاعده‌ای داشت. این مدلی که الان می‌بینید و تقریباً عرف شده، اصلاً نمی‌دیدید، حتی در بی‌حجاب‌ها! اصلاً تصور نمی‌کردید مملکت به این‌جا برسد! حجم بدن را اگر یک پسر عذب ببیند، باید نفسش به شماره بیفتد حالا اگر نمی‌افتد می‌دانید چرا؟ به خاطر این که چشم، خیلی هرزه‌گردی کرده- چه بخواهد چه نخواهد حتی- یعنی آنقدر دیده که آن حسش در حقیقت افول کرده، آن حس قوی که خداوند آن حس قوی را که داده، به قدری در نظام خانواده کارکرد دارد که گفته می‌شود.

### عادی شدن مسائل جنسی و فروپاشی خانواده‌ها!

این طرح قرآن است. حالا جدا از جامعه، اینترنت و ماهواره و این‌ها را هم اضافه کنید. آن قدر این چیزها را دیده که برایش عادی شده و گرنه باید واقعاً یک جوان نفسش به شماره بیفتد و این دارد زندگی‌ها را خراب می‌کند، خانواده‌ها دارد خراب می‌شود؛ بنده ده سال است که در معرض مشاوره‌های این‌چنینی هستم! یعنی آن حس در مسائل جنسی دارد کور می‌شود. تصور کنید کسی بیرون کلی غذا بخورد آیا باز می‌تواند در خانه کنار اعضای خانواده شام بخورد؟ قطعاً نه! چون اشباع شده است و این دارد به شدت لطمه می‌زند. شما در این زمینه اصلاً غرب را مثال نیاورید! غرب در زمینه خانواده متلاشی است. در زمینه خانواده نگران‌کننده‌ترین حالاتش خود غرب است و این نکته‌ای است. من زمانی که کانادا برای منبر محرم رفتم، این مطلب برایم واضح شد. این که در غرب اصلاً به زنان برهنه نگاه نمی‌کنند به چه دلیلی است؟ آیا یوسف‌وار در حصن حصین

عصمت هستند، یا تحلیل چیز دیگر است؟ چرا وقتی ما آن جا می‌رویم، برق می‌گیرد مان؟ اما این‌ها چرا اصلاً نگاه نمی‌کنند؟ آیا همه این‌ها یوسف هستند؟ یکی از این نویسنده‌های خارجی نوشته بود: الان در غرب وضعیتی است که اگر یک زنی عربیان روی صحنه بیاید، پاسخ بینندگان به او فقط یک خمیازه است! فکر نکنید که این چیز خوبی است! تحلیل‌اش را دقت کنید. این که کسی این حسش آن قدر فروکش کند که هیچی بشود که اتفاقاً هم برایشان هیچی نمی‌شود و اتفاقاً آن جا خود جامعه هم نگرانی دارد راجع به این که این حس چرا این جوری شده! برای همین کلی قرص و پودر و دارو برای بالا بردن این لذت وجود دارد، در حالی که انسان اصلاً احتیاجی به این همه دارو ندارد، یک خرما کافیست.

قرآن می‌گوید این حس بسیار بسیار قوی است، قوی‌ترین چیزی که وجود دارد این است. قوی‌ترین پدیده‌ای که وجود دارد این است. روایات چه می‌گویند؟ خود امام صادق (ع) اقدام به سؤال کردند. **سَأَلْنَا ابُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَيْ الْأَشْيَاءِ أَلَذُّ؟** حضرت از اصحاب سؤال می‌کنند که لذت بخش‌ترین چیز چی هست؟ گفتند نمی‌دانیم، حضرت فرمودند: **أَلَذُّ الْأَشْيَاءِ مُبَاضَعَةٌ** النساء<sup>۱</sup> مباضعة؛ یعنی بضع به بضع شدن. بضع هم به شرمگاه آدم می‌گویند. این تعبیر امام صادق (ع) است. قدرتش را روایات می‌پذیرند. از آن طرف از اخلاق انبیاء می‌گویند کثرت الطرّوغه است؛ یعنی این کارها را زیاد انجام می‌دهند یعنی طرّوغه و مجامعت را زیاد انجام می‌دهند و بعدش هم این را به شیوه خیلی دقیقی ربط می‌دهند به حبّ النساء که فوق العاده این بحث مهمی است و دقت ائمه را در این جا نشان می‌دهد که این بحث کثرت الطرّوغه را به حبّ النساء ربط می‌دهند؛ (فوق العاده بحث مهمی است و دقت ائمه را نشان می‌دهد). یعنی در حقیقت هر چه قدر حبّ النساء زیاد شود، این هم زیاد می‌شود؛ یعنی اگر روابط عاطفی در یک خانواده زیاد شود این زیاد می‌شود و اگر کم شود این هم کم می‌شود. به صورتی که در مقام مشاوره اولین چیزی که می‌پرسیم از میزان تماس و مسائل جنسی است، اگر بگویند خیلی کم؛ یعنی روابطشان دارد به هم می‌خورد و اگر بگویند نه خوب است هفته‌ای یکی، دوبار؛ یعنی روابط عاطفی‌شان خوب است. اصلاً این‌ها روی هم اثر دارد و بر عکس هم صادق است؛ یعنی اگر روابط جنسی‌شان خوب باشد، روابط عاطفی‌شان هم خوب می‌شود. این‌ها دو عبارت کاملاً به هم تنیده است؛ حبّ النساء و کثرت الطرّوغه، خیلی جدی هم هست مسائل جنسی که روایات طرح می‌کنند و ائمه با اصحاب هم طرح می‌کنند. هیچ پرده‌پوشی هم نمی‌کنند. برخی بچه مذهبی‌ها فکر می‌کنند اگر این حس در آنان قوی است، لابد مشکلی است، در صورتی که اگر این حس در شما قوی است، به لحاظ جنسی سرپایید. سرچالید. اگر این حس زیاد است، منتها این حس مورد تأیید قرآن است که این حس را زیاد گذاشته و همین مباحث جنسی، کارکردهای زیادی در خانواده دارد.

**طرح دین: ازدواج در قالب خانواده**

برخی فکر می‌کنند با روابط آزاد، آن مشغولیت ذهنی از بین می‌رود. ما مواردی داریم که طرف می‌آید و می‌گوید: یک بار چنین کاری کردم، دارم خفه می‌شوم! شنیدید می‌گویند: از نخورده بگیر بده به خورده! حکایت همین داستان است. این که برخی این طرح را دارند که خوب است **قبل از ازدواج** افراد Sex داشته باشند، این را روان‌شناسان پیشنهاد می‌کنند. شما بی‌خود می‌کنید که چنین پیشنهادی را می‌کنید! اصلاً به چه مناسبت چنین پیشنهادی می‌کنید؟ شرع چنین چیزی را پیشنهاد نمی‌دهد. ممکن است در قالب آمریکایی شاید غرب این را پیشنهاد دهد که این **انحراف** پشت انحراف است. فکر این را کنید که قرار است در **قالب خانواده** قرار بگیرد. گاهی اوقات نسخه‌ای می‌پیچیم که یک طرفش را می‌گیریم، هزار طرف در می‌رود. طرح دین را ببینید!

در طرح دین، قدرت این مسئله را تأیید می‌کند، به اضافه این که می‌گوید سریع برو ازدواج کن، سریع برو تشکیل خانواده بده! این طرح است که خودت را از اول در قالب خانواده ببینی حتی قرآن دستور می‌دهد به **أَنْكِحُوا** بروید انکاح بدهید! بروید واسطه ازدواج شوید! جوشکاری کنید! و زمینه ازدواج دختران و پسران را فراهم کنید هم این را دارد و هم بحث طرح ازدواجی را که در قرآن دارد جدی است و هم از آن طرف بحث‌های اقتصادی و غیره را هم طرح می‌کند، بحث قرآن، بحث خانواده است. از آن طرف در روایات می‌بینیم که **شِرَارُ مَوْتَاكُمُ الْعُزْبَاءُ** بدترین اموات شما عزب‌ها هستند<sup>۲</sup> باز هم داریم **رَكَعَاتِنِ يُصَلِّيْهَا مُتَزَوِّجٌ اَفْضَلُ مِنْ سَبْعِيْنَ رَكَعَةً يُصَلِّيْهَا عَزَبٌ**؛ دو رکعتی که متزوج نماز بخواند از هفتاد رکعتی که عزب نماز بخواند افضل است. از طرفی رسول الله می‌فرماید: **لَعَنَ اللهُ وَامَنَتَ عَلَيْهِ مَلَائِكَتُهُ**؛ خدا لعنت می‌کند و ملائکه آمین می‌گویند **عَلَى رَجُلٍ تَأْتَتْ**؛ مردانی که ادای کارهای زنانه را در می‌آورند **وَالْمَرْأَةُ تَذَكَّرَتْ بِالرَّجَالِ**؛ و زنانی که اخلاق‌های مردانه از خودشان بروز می‌دهند **وَرَجُلٍ مُّبْحَصَّرٍ**؛ و مردان حصور و عزب، لذا روایات توصیه به ازدواج و تشکیل خانواده، قرآن توصیه به ازدواج و تشکیل خانواده می‌کند.

نکته دیگری در همین آیه ۳ می‌گوید: **زَيْنَ لِلنَّاسِ**؛ برای همه، **حُبَّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ**، به جای این که بگوید **حُبَّ الشَّهَوَاتِ** مقابرتی، می‌گوید **حُبَّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ** چرا؟ این‌ها **ظرافت‌های قرآنی** است. این‌ها لطف‌های قرآنی است. این کلمه را برمی‌دارد و محور شرارت را وسط می‌گذارد؛ یعنی مشخص می‌کند که محوریت این قضیه با زنان است. درست است که می‌گوید الناس اما می‌گوید **مِنَ النِّسَاءِ**؛ چون که **محوریت** قضیه با نساء است. ببینید الان وقتی که می‌گویند Sex در ذهن همه زن می‌آید، اصلاً Sex با زن معنا پیدا می‌کند. در محور قضیه، جنس مؤنث است. درست است که این یک کار دو طرفه است برای همین است که در آن ناحیه، ما بحث حجاب و تستر را داریم. هم به صورت فطری این را داریم، به صورت **فطری** هم تستر در آن ناحیه است. تستر در ناحیه زن است و زن‌ها بیشتر خودشان را می‌پوشانند. الان وضعیت غرب امروزه را نگاه

نکنید، فیلم‌های دهه هفتاد را ببینید، دهه هفتاد خود غرب دامن‌های ماکسی بلند و گشاد و کلاهی که شبیه حجاب مو داشتند. فیلم‌های دهه هفتاد آمریکا ببینید! اما الان این جوری شده که خود غرب هم در آن مانده است. که شتاب عجیبی هم گرفته است که وقتی روی غلتک می‌افتد شتاب عجیبی می‌گیرد. حالا هم اگر بخواهی مبارزه کنی، هزارتا انگ و برچسب دارد! چرا مانتوها دارد تنگ می‌شود؟ چرا سارافون؟ یک نفر عقل داشته باشد، طرح بعدی آن را می‌بیند که آستین سارافون می‌شود یک آستین نازک! بعد و بعد... اتفاقی که در جامعه ما هم دارد می‌افتد که حدّ یقف ندارد و سرعت‌هایی پیدا می‌کند که از دست خارج می‌شود. تویی می‌شود که روی یک سطح شیب‌داری می‌افتد و با سرعت می‌رود! و در جنبه‌های دیگرش سرعت‌هایی پیدا می‌کند که عرض می‌کنم، لذا این طرف باید این تستر را حفظ بکند. قرآن چون گلستان است، در آن گشت و گذار می‌کنیم!

### علت تقدم زانیه بر زانی در قرآن

سوره مبارکه نور آیه ۲ ص ۳۵۰ را ببینید: با این که هر جا که هست همه جا اول مرد می‌آید و سپس زن! بلا استثناء بلا استثناء! این‌ها لطف قرآن است، اما به این نکته که می‌رسد، می‌گوید **الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي**، با این که در سوره مائده بحث سرقت که می‌شود می‌گوید: **السَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ**؛ مرد و زن دزد، اما در سوره نور آیه ۲ می‌گوید، زن و مرد زناکار! حال به عبارت دقت کنید که می‌گوید: **الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِئَةَ جَلْدَةٍ**؛ این‌ها را صد ضربه شلاق بزنید، یک تذکری می‌دهد که باز این تذکر منحصر به فرد است در این مورد! ببینید جرائم دیگر به دلیل این که قابل توافق نیست کسی نمی‌تواند به یک دزد بگوید باشد اشکال ندارد شما بیا خانه ما را بدزد! ما هم دزیده می‌شویم، یا رضایت می‌دهیم شما بیا ما را بکش! این جرایم اصلاً قابل توافق نیست، ولی چنین جرائمی (زنا) به دلیل این که قابل توافق است و دهن بقیه را هم می‌بندد، من راضی، تو راضی؛ یعنی جرم قابل توافقی است. در این آیه می‌فرماید **وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ**؛ این‌جا جای رأفت نیست! در دین خدا رأفت نکنید اگر ایمان دارید، این‌جا تعارف نکنید! این‌ها جرم است؛ یعنی کسی که زنا بکند و اثبات هم شود، جرمش این است؛ یعنی خدا نمی‌خواهد گناه کسی را رو کند؛ یعنی طرفی که متهمتک به این قضیه است ۴ تا شاهد دارد؛ یعنی در ملاء عام دارد این کار را می‌کند، یا کسی که ۴ بار اعتراف می‌کند؛ یعنی متهمتک به این کار است و این‌جا اقرار، حکم ۴ تا شاهد دارد؛ چون قاعده فقهی اقرار است، «الأقرار العقلاء على انفسهم جائز»؛ یعنی کسی علیه خودش اقرار کند جایز است و مسموع است. قرآن این‌جا می‌ایستد و اصلاً هم شوخی ندارد و می‌گوید این‌جا اصلاً جای رأفت و رحمت نیست. این هم طرح و فضای قرآنی!

موضع صریح قرآن درباره دوست پسر و دوست دختر

طرح ها را دقت کنید: اولاً می گوید این مطلب فوق العاده قوی است. ثانیاً جلوی همه مسیرهای ممکن را می بندد؛ یعنی شما هر مسیری را که می خواهید بروید قرآن، می ایستد و می گوید: نه! آیه ۵ سوره مبارکه مائده، ص ۱۰۷: به بحث دوست دختر و دوست پسر می رسد، می گوید: **وَلَا مَتَّخِذِي أَخْدَانٍ**. در سوره نساء دارد **وَلَا مَتَّخِذَاتٍ أَخْدَانٍ** یعنی مقوله‌ای به نام دوست پسر و دوست دختر را نفی می کند؛ یعنی اگر با چنین زاویه‌ای بخواهید وارد این بحث شوید، شما را رد می کند. سوره مبارکه نور آیه ۳۰ و ۳۱ ص ۳۵۳: **قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ**؛ حتی به شیوه چشم چرانی وارد این قضیه نشوید! چشم‌هایتان را فرو بیندازید! حتی جلوی چشم چرانی را هم می گیرد. (کاری به جهت‌گیری آیه نداریم. می خواهیم فضاها را ترسیم کنیم. آیاتش خیلی محتوا دارد) **قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ**؛ زن‌ها چشمانشان را ببندند، مردان چشمانشان را ببندند، جلوی دوست پسری و دوست دختری را می گیرد. چشم چرانی را می بندد. قرآن، فضای Homo sex را می بندد؛ یعنی الان gay و lesbian (هم‌جنس‌بازی) پدیده‌های آخرالزمان اند.

الان در غرب Homo sex ها در قالب خانواده هستند؛ در حالی که در قوم لوط این‌گونه نبوده‌اند! در قوم لوط این‌ها اصلاً با همدیگر gay نبودند، اما حتی امروزه زنان با هم به صورت رسمی در کلیسا ازدواج می کنند. اصلاً نباید هویت این‌ها را قبول کرد. شما صفحه msn را ببینید! الان در سایت هویت این‌ها را می بینید. مقاله دارند. advise دارند که خانمی در قرار ملاقات اول با خانم دیگر! چه طوری برخورد کند که آدم خنده‌اش می گیرد. اصلاً هویت چنین چیزی را نباید قبول کرد. ما این‌ها را اصلاً در فضای دین قبول نداریم. قرآن اصلاً چنین چیزی را قبول نمی کند. پشت این مقاله‌ها هم اسم یک عالمه پروفیسور و دکتر هست! چه برو بیایی و چه تئوری‌هایی! که اگر بشنوید هیچ چیز نیست. اسمش را هم می گذارند: Homo sex family! این‌ها را دانشمندان علوم اجتماعی می نویسند و قرآن اصلاً چنین چیزهایی را قبول نمی کند. ما هم می گوئیم اصلاً گفتن این حرف‌ها نوعی تلطیف این مسائل است. اصلاً نباید این‌ها را گفت و اصلاً نباید قبولشان کرد. می گویند الان تعریف خانواده فرق کرده، نوعی خانواده است که به آن Partner family می گویند؛ یعنی خانواده‌ای که شریک جنسی‌اند! اصلاً لزوم ندارد که این‌ها در قالب family و زن و شوهر باشند، یا یک چیزی داریم به اسم Homo sex family، یا یک چیزی داریم به اسم Single parent family نه این‌که بچه‌ای یتیم با مادرش زندگی کند! یعنی همین چیزی که ما به آن می گوئیم (ولد الزنا) و این یک خانواده پذیرفته شده دارد. همه این‌ها را می گویند و فضا را تلطیف هم می کنند! باید بترسید از این‌که فضا تلطیف شود. باید چنین چیزی را انکار کنیم و اصلاً بگوئیم چنین چیزی نداریم! Single parents یعنی چی؟ بگوئید (ولد الزنا) ترکیب قرآن را ببینید!

قرآن می‌گوید یا سفاح داریم، یا نکاح داریم، وسط هم ندارد؛ یعنی یا نکاح یا فحشا. دیگر آن قدر برایش شقوق قائل نمی‌شود. درباره نکاح هم می‌گوید **كُلُّ قَوْمٍ يَعْرِفُونَ السَّفَاحَ**؛ همه آدم‌ها خودشان فرق بین سفاح و نکاح را می‌دانند **فَنِكَاحُهُمْ جَائِزٌ** و نکاحشان در قوم خودشان جایز است. و گاهی اوقات می‌آیند چنان مقدماتی می‌چینند! قرآن اصلاً این چیز را قبول ندارد و می‌زند تو دهن این حرف‌ها که امروزه در قالب علوم اجتماعی می‌گویند این هم ترکیبی از خانواده است! و ورژن‌های جدید می‌آورند. اصلاً غلط می‌کنند! آن‌ها در فضای خودشان می‌گویند و ما هم همان‌ها را بلغور می‌کنیم! ما باید در بستر قرآن حرکت کنیم و فضا را از قرآن بگیریم.

### برخورد قرآن در مورد ارتباط با جنس موافق

در بحث ارتباط با جنس موافق: سوره مبارکه اعراف آیه ۸۰، ص ۱۶۰، سوره مبارکه نمل آیه ۵۳-۵۵، ص ۳۸۱ و سوره مبارکه عنکبوت آیه ۲۹، ص ۳۹۹ بیاورید: این‌جا راجع به قوم لوط بیاناتی دارد که برخی مشترکند و برخی اختصاصات خود آیه است. در ص ۱۶۰ ابتدا پیامبران قبلی؛ نوح، هود و ... را با قومشان نام می‌برد، بعد می‌رسد به لوط، و می‌گوید: **وَلَوْطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ**؛ یک فاحشه‌ای انجام می‌دهید که احدی از عالمیان انجام نداد. (ببینید برهان ندارد) یعنی چه کاری دارید انجام می‌دهید؟ این‌ها را در قالب برهان که نمی‌توانید بیاورید! **إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ**؛ شما سراغ رجال رفتید غیر از نساء، چرا شما سراغ غیر زنان رفتید (ببینید چه واژه‌ای را به چه زیبایی کار می‌برد) **بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُسْرِفُونَ**؛ شما یک قوم مسرف، زیاده‌رو و تنوع طلب هستید. ببینید یک پرده از یک واژه را چه زیبا دارد قرآن از آن استفاده می‌کند! اگر کسی در تنوع مسائل جنسی بیفتد، بیچاره می‌شود. هم خودش را بیچاره می‌کند و هم خانواده‌اش را. الان ما را با اینترنت و فیلم‌های پورنو و ... به طرف بدآموزی رفتارهای جنسی می‌کشند (رفتار جنسی مقداری‌اش غریزی است و یک مقدار زیادی‌اش آموزشی است). و یک توقع‌هایی ایجاد می‌کند که خانم‌ها اصلاً از پس آن بر نمی‌آیند. چرا؟ چون آقا اینترنت دیده، هرزه بینی کرده، در این کار زیاده‌روی هم کرده، ضمن این‌که با این کار تنوع طلب شده است. یک صورت‌های افراطی آن مثل مازوخیسم و فتیشیزم به لحاظ روان‌شناسی بیماری محسوب می‌شود.

### ارتباط شکم و شهوت

باید به آموزه‌های دینی رجوع کنیم. ببینید دین حتی در مورد غذا می‌گوید در مورد غذایی که آن چه را که جلوی جلوبتان می‌گذارند، جلوی دستتان است را بخورید! آن قدر به دنبال تنوع نباشید و آن قدر نخواهید سر از همه چیز در بیاورید. خودتان را حفظ کنید، بدانید کسی که چشمش هرجا می‌رود، شکم هم با آن می‌رود. بدانید که شکم هم با شهوت خیلی گره خورده است. اگر کسی بخواهد شهواتش را کنترل کند، باید شکمش را کنترل کند. در روایات فراوان است راجع به شکم اگر این روحیه بماند، در مسائل جنسی هم تنوع طلب در می‌آید. ببینید قرآن چه قدر زیبا بیان می‌کند! در این جا از واژه اسراف استفاده می‌کند. ما تا حالا اسراف را در این مورد نشنیده بودیم. ادامه آن می‌گوید **وَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ؛** این جا قوم لوط هیچ جوابی نداشتند بدهند الا یک عربده‌کشی که می‌گویند لوط را بیندازید بیرون؛ **إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوهُمْ مِنْ قَرْيَتِكُمْ** و بعد می‌گوید **إِنَّهُمْ أَنَاسٌ يَنْتَهَرُونَ** (چقدر زیباست) نمی‌گوید **إِنَّهُمْ** اناس مطهرون؛ می‌گوید این‌ها آدم‌های متطه‌ری هستند، **مُتَطَهَّر** یعنی آدم‌های جانماز آب بکش، همان **أَمَلِي** که ما می‌گوییم و به راحتی شما را با وصله **أَمَل** از صفحه بیرون می‌کنند. اصلاً نگران نشوید، حضرت علی (ع) می‌فرماید: **لَا تَسْتَوْحِشُوا فِي طَرِيقِ الْهُدَى لِقَلْبَةِ أَهْلِهِ؛** از قَلت اهل در مسیر هدایت، اصلاً نگران نشوید.

خیلی وقت‌ها چون لجش در می‌آید که او دارد با طهارت زندگی می‌کند، می‌خواهد که شما هم به گناه آلوده شوید. واقعاً این را دوست دارد و من مزده می‌دهم به دوستان خودم که اگر کسی این زمینه‌ها را رعایت کند، یک زندگی خوب و خوش در انتظارش است و کسانی که این زمینه‌ها را رعایت نمی‌کنند، و آن قدر تنوع طلب می‌شوند، به لحاظ جنسی یک زندگی پاشیده‌ای در انتظارشان است. خب بگذار بگویند **أَمَل!** من وقتی می‌روم دانشگاه اول خودم را معرفی می‌کنم که کسی نخواهد مرا کشف کند. می‌گویم من یک **آخوند امل** تاریک فکر متحجر هستم! همه خیالشان راحت می‌شود که من که هستم! شما اگر راه درست را تشخیص داده‌ای بکوب برو! نه این که از مواضع خود در برابر مردم کوتاه بیاید! بگذارید بگویند: **إِنَّهُمْ أَنَاسٌ يَنْتَهَرُونَ.**

یا در ص ۳۸۱ همین داستان نقل می‌شود در سوره نمل از آیه ۵۴: **أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ وَأَنْتُمْ تُبْصِرُونَ؛** به قومش می‌گوید: دارید نتایج شوم آن را خودتان می‌بینید! شما فاحشه‌ای دارید انجام می‌دهید که خودتان دارید می‌فهمید دارید چکار می‌کنید و چه مشکلاتی ایجاد کرده‌اید! با این کارتان خودتان بصیرت پیدا کرده‌اید چه غلطی می‌کنید، اما باز هم دارید این کار را ادامه می‌دهید؟ **أَنْتُمْ لَتَأْتُونَ الرَّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ** آن جا گفت **مُسْرِفُونَ**، این جا می‌گوید **تَجْهَلُونَ.**

**فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوا آلَ لُوطٍ مِنْ قَرْيَتِكُمْ** آن جا با (هم) آورد این جا با (آل لوط) یعنی که معلوم است

لوط یک عده داشته که هم فکر بودند، ضمن این که این را کد بزنی به بحث اهل بیت:

یک بیت مقامی داریم و یک بیت نَسَبی. اهل بیت کسان خاص را می‌گیرد؛ چنان‌چه به نوح می‌گوید: **إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ** پسر اهل تو نیست **إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ**؛ این یک عمل غیر صالح است این‌که می‌گوید **مَنْ أَمَّا أَهْلُ بَيْتٍ**؛ یعنی هم عقیده شدن هم ذوق شدن. اگر شما هم ذوق قرآن شوید اهل قرآن می‌شوید **فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي** (ابرهیم: ۳۶)؛ کسی که دارد مرا تبعیت می‌کند، از من است. این‌جا هم می‌گوید **إِنَّهُمْ أَنَا تَطَهَّرُونَ** باز هم همان تهمت را می‌زند. در آیه ۲۸ عنکبوت می‌گوید: **أَنْتُمْ لَتَأْتُونَ الرَّجَالَ وَتَقْطَعُونَ السَّبِيلَ وَتَأْتُونَ فِي نَادِيكُمُ الْمُنْكَرَ**؛ شما دارید سراغ رجال می‌روید اولاً دارید قطع سبیل می‌کنید، یا به این معناست که دارید با این کار نسل آدم را قطع می‌کنید، یا به این معناست که دارید انحراف در راه ایجاد می‌کنید.

یکی از توقعاتی که در نظام زناشویی وجود دارد تولید فرزند است. علامه هم همین را می‌گوید، آیات هم همین را می‌گوید وجدان و فطرت هم همین را می‌گوید؛ یعنی باید بچه تولید شود. باید تولید شود اگر خدا به کسی بچه نداد آن بحث امتحان تکوینی است. علامه می‌گوید، خدا تمام امکانات جسمی و روحی را در بشر گذاشته برای همین!

### فمینیسم فشار بر مرد یا زن، کدام‌یک؟

خانم می‌گوید: اسراف است خدا چنین پتانسیلی در من نهاده و چندتا جمع و تفریق در عالم مانده که باید انجام بدهم پس نروم بچه دار بشوم! چه طور این اسراف است که شما از موفقیت محروم شوید اما این‌که این همه امکانات را به کار نگیریم، این اسراف نیست؟ تمام این تجهیزات بدنی دلالت بر این می‌کند که این نوع ساختمان بدن مال بچه‌دار شدن است الان یک فضاهای روشنفکری خیلی مسخره‌ای به وجود آمده که دارد به که فشار می‌آورد؟ به خانم‌ها. چندتا از این خانم‌های دانشجوی دکتری آمده بودند می‌گفتند: ما داریم در **تعارض** زندگی می‌کنیم. این **تبلیغاتی** که دارد برای ما می‌شود که ما را با تعارض روبه‌رو کرده؛ چون از آن طرف به ما می‌گویند درس بخوان و دکترا بگیر و سر کار برو! پابه‌پای مردها در صحنه‌ها! محکم باش! شق و رق برخورد کن! ما مانده‌ایم که این زنانگی‌مان را چکار کنیم؟ ما زن هستیم و لطف‌های بچه‌دار شدن را می‌دانیم. فکر نکنید همه مذهبی بودند. میان این‌ها مانتویی بدحجاب هم بود، ولی مانده که با این تعارضی که جامعه برایش درست کرده چه کار کند؟ که اگر وارد این قضیه بشوم «از دست بخواهد شد پایاب شکیبایی»

این تبلیغات **فشار عمده‌اش** روی خانم‌هاست و بدانید که فمینیست اساساً تم مردانه دارد. جریانات اخیر فمینیست تم مردانه دارد. در دانشگاه آقایان داشتند از خانم‌ها دفاع می‌کردند و بعد خانم‌ها به من گفتند که این‌ها هیچ نمی‌فهمند و هیچ چیز از مشکلات ما نمی‌دانند و دارند از ما دفاع می‌کنند! طرح را دقت کن که آقایان دارند به خانم‌ها **خیانت** می‌کنند و چون الان بهترین ورژن زن بودن، مرد شدن است، لطمه‌اش را دارند خانم‌ها می‌بینند.

بعد می‌گوید: **وَتَأْتُونَ فِي نَادِيكُمُ الْمُنْكَرَ**؛ می‌گوید این را هم شما در محافل آوردید و این منکر را علنی‌اش کردید و دارید در محافل علنی انجام می‌دهید. چرا علنی‌اش کردید؟ هر غلطی می‌خواهید بکنید بروید در خلوت پستوی خانه‌ات! چرا علنی می‌کنید؟ و باز هم آورده **فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ**؛ یعنی هیچ جوابی ندارند بدهند. این‌ها جواب ندارد! این‌ها می‌گویند **اِثْتِنَا بِعَذَابِ اللَّهِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ**؛ اگر راست می‌گویی بگو عذاب بیاید! خوب بحث را دقت کنید! به قرآن و فطرت دقت کنید! چرا عذاب بیاید! باید حتماً عذاب بیاید تا بفهمی حرف درست است؟ باید خواب ببینی تا بفهمی؟ مگر خواب باید ما را هدایت کند؟ خدا دارد با حجت‌ها ما را هدایت می‌کند.

بدانید کسانی که حجت بر آنان تمام می‌شود این مدل خواب‌هایی را که به آن‌ها می‌گوید این کار را بکن! کم می‌بینند، حجت جاهای دیگر بر آنان تمام می‌شود. اگر قلب هدایت شود و این هدایت‌ها به واسطه قرآن باشد، چرا باید از این خواب‌ها ببیند؟ خواب‌های دیگری می‌بیند.

---

۱. میزان الحکمه، ج ۲.

۲. شِیرَارُ مَوْتَاكُمُ الْعَزَابُ، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۲۰ - ۲۲۱.

۳. وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملی، جلد 14، صفحه 588.